

بررسی رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و استفاده از حسابرس متخصص صنعت

نظام‌الدین رحیمیان*

استادیار گروه حسابداری مؤسسه آموزش عالی خاتم تهران

مسعود حسینی القار

مریی گروه حسابداری دانشگاه بزرگمهر قاینات

چکیده

بیش‌اطمینانی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی مدیران است که بر ریسک‌پذیری تأثیر دارد. حسابرسان متخصص صنعت توانایی بیشتری در کشف تحریف در درون صنعت تخصص خود را دارند. از این رو، احتمال کمتری وجود دارد که مدیران بیش‌اطمینان از حسابرسان متخصص صنعت استفاده کنند. زیرا احتمال اینکه حسابرسان متخصص صنعت، رویه‌های حسابداری متهورانه صاحبکاران خود را کشف کنند، بیشتر است. علاوه بر این، مدیران بیش‌اطمینان ممکن است به این دلیل از حسابرسان غیرمتخصص استفاده کنند تا حق‌الزحمه حسابداری کمتری پرداخت کنند. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریت بر استفاده از حسابرس متخصص صنعت است. نمونه پژوهش متشکل از ۷۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ است. با توجه به دو وجهی بودن متغیر وابسته (استفاده از حسابرس متخصص صنعت)، جهت آزمون فرضیه پژوهش از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. همچنین در این پژوهش از رویکرد سهم بازار به منظور تعیین حسابرس متخصص صنعت بهره گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بیش‌اطمینانی مدیریت تأثیر معناداری بر استفاده از حسابرس متخصص صنعت ندارد. همچنین بررسی‌ها نشان داد هر چه اندازه شرکت بزرگتر باشد، احتمال استفاده از حسابرس متخصص صنعت بیشتر است.

واژگان کلیدی: بیش‌اطمینانی مدیریت، حسابرس متخصص صنعت و ریسک‌پذیری.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۶/۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۹/۲۲

۱- مقدمه

در الگوی اقتصاد مالی سنتی، فرض می‌شود تصمیم‌گیرندگان رفتار عقلایی^۱ دارند و همواره به دنبال حداکثرشدن مطلوبیت خود هستند (هاکبارث، ۲۰۰۸)؛ اما محققان تجربی بر این باورند گاهی اوقات برای یافتن پاسخ معماهای مالی، باید این احتمال پذیرفته شود که ممکن است تصمیم‌گیرندگان به طور کامل عقلایی رفتار نکنند. به بیانی دیگر، ویژگی‌های شخصیتی مدیران نیز جزء عوامل مهم در تصمیم‌گیری‌ها به حساب می‌آید (برتراند و اسکوار، ۲۰۰۳). یکی از ویژگی‌های مهم شخصیتی، بیش‌اطمینانی است. بیش‌اطمینانی^۲ یا فرا اعتمادی، یکی از مهمترین مفاهیم مالی مدرن است که هم در تئوری‌های مالی و هم روانشناسی جایگاه ویژه‌ای دارد. بیش‌اطمینانی سبب می‌شود انسان دانش و مهارت خود را بیش از حد و ریسک‌ها را کمتر از حد تخمین زده، احساس کند روی مسایل و رویدادها کنترل دارد، در حالی که ممکن است در واقع اینگونه نباشد (فلاح شمس لیالستانی و همکاران، ۱۳۸۹).

تخصص حسابرس در صنعت عبارتست از دانش خاص یک صنعت که توسط یک مؤسسه حسابرسی در جهت کمک به فهم بهتر از آنچه که صاحبکاران در آن صنعت انجام می‌دهند و ریسک‌های حسابرسی که آنها با آن مواجه‌اند، بکار گرفته می‌شود. تخصص صنعت بر ماهیت تجربه و کار حسابرسی و دستیابی به مهارت تأثیر می‌گذارد، و ممکن است برای متخصصان انفرادی شرایطی را فراهم نماید تا بهتر مسائل و موضوعات پیرامون خاص صنعت را شناسایی و مورد توجه قرار دهند.

مطالعه ادبیات موضوعی نشان می‌دهد با افزایش بیش‌اطمینانی در مدیران احتمال استفاده از حسابداری محافظه‌کارانه کمتر (احمد و دوئلن، ۲۰۱۳)، و احتمال وقوع اشتباه در گزارش سود به خاطر نگرش‌های خوش‌بینانه مدیریت بیشتر می‌شود (شراند و زچمن، ۲۰۱۲)، همچنین احتمال ارائه مجدد صورت‌های مالی و مدیریت سود واقعی نیز بیشتر (پرزلی و ابت، ۲۰۱۳؛ هسیه و همکاران، ۲۰۱۴)، و اثربخشی کنترل‌های داخلی کمتر می‌گردد (چن و همکاران، ۲۰۱۴). علاوه بر این نتایج پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد مدیران بیش‌اطمینان حق‌الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت می‌کنند (دوئلن و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین تحقیقات تجربی نشان می‌دهد بیش‌اطمینانی مدیران در برآورد حسابرس از خطر تحریف صورت‌های مالی ناشی از تقلب صاحبکاران تأثیر دارد (جانسون و همکاران، ۲۰۱۳). بیش‌اطمینانی یکی از مهمترین ویژگی‌های شخصیتی مدیران است که بر ریسک‌پذیری^۳ تأثیر دارد (دوئلن و همکاران، ۲۰۱۵). هیچ‌یک از مطالعات پیشین در ایران که به بررسی بیش‌اطمینانی مدیریت پرداخته‌اند، به بررسی تأثیر آن بر استفاده از حسابرس متخصص صنعت نپرداخته‌اند. بنابراین، با توجه به موارد یاد شده، سؤال اصلی که این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ آن می‌باشد، این است که آیا بین بیش-

اطمینانی مدیریت و استفاده از حسابرس متخصص صنعت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟ لذا هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریت به عنوان یکی از مهمترین عوامل رفتاری آنان بر استفاده از حسابرس متخصص صنعت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

۲- مبانی نظری و پیشینه

بیش‌اطمینانی^۶ یکی از مهمترین یافته‌های علم روانشناسی در حوزه قضاوت و تصمیم‌گیری است. پژوهشگران دریافته‌اند که افراد درباره توانایی‌های خود، از جمله قدرت پیش‌بینی، ادراک اطلاعاتی و دانش خود، اغراق می‌کنند. به بیان دیگر به توانایی‌ها و دانش خود اعتماد بیش از حد دارند، البته ممکن است این احساس درونی را اظهار نکنند یا حتی خود نیز از آن غافل باشند. یکی از ریشه‌های وقوع بیش‌اطمینانی و اصلاح نشدن آن در نتیجه یادگیری این است که افراد مسئولیت موفقیت‌های خود را به عهده می‌گیرند و مسئولیت شکست را به دیگران نسبت می‌دهند (مشایخ و بهزادپور، ۱۳۹۳).

مدیران بیش‌اطمینان در نتیجه این باور که آنها اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند (که دیگران ندارند)، دقت اطلاعات خود و به تبع آن سودها و جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری خود را بیش از حد تخمین می‌زنند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آتی شرکت دارند. بیش‌اطمینانی مدیران می‌تواند بر ارزیابی ریسک گزارشگری مالی^۷ توسط حسابرسان تأثیر گذارد؛ چرا که مدیران بیش‌اطمینان احتمال و تأثیر رویدادهای مطلوب را بر جریان‌های نقدی شرکت بیش از واقع تخمین می‌زنند و احتمال و تأثیر رویدادهای منفی را کمتر از واقع ارزیابی می‌کنند (هیتون، ۲۰۰۲؛ مالمدیر و تیت، ۲۰۰۵). وجود ویژگی بیش‌اطمینانی در مدیران بر نحوه شناسایی سود و زیان و مبلغ دفتری دارایی‌ها و بدهی‌ها تأثیرگذار است. مدیران بیش‌اطمینان بازده‌های آینده ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری شرکت را بیشتر برآورد می‌کنند. لذا ممکن است شناسایی زیان را به تأخیر انداخته و برآوردهای خوش‌بینانه در تعیین ارزش دارایی‌های جاری یا بلندمدت داشته باشند (رامشه و ملانظری، ۱۳۹۳).

حسابرسی خدمتی متمایز است که در آن صاحبکاران می‌توانند تا حدودی حسابرس، دامنه حسابرسی، و حتی اندازه و کیفیت حسابرسی را تعیین کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حق‌الزحمه حسابرسی با ساعات کاری حسابرسان ارتباط مستقیم دارد و صاحبکار با حسابرس در مورد برنامه‌های حسابرسی، و دامنه حسابرسی مذاکره می‌کند تا حق‌الزحمه حسابرسی را کاهش دهد (بال و همکاران، ۲۰۱۲). مدیر بیش‌اطمینان به این دلیل که به فرآیند گزارشگری مالی شرکت خود اطمینان دارد تلاش می‌کند تا با مذاکره، دامنه حسابرسی را کم کرده و حق‌الزحمه حسابرسی را کاهش دهد. مدیران بیش‌اطمینان در مقایسه با سایر مدیران ارزش کمتری

برای بازخورد اصلاحی پیشنهادی حسابرسان قائل هستند. علاوه بر این، با کاهش دامنه رسیدگی حسابرسی و متعاقب آن کاهش حق‌الزحمه حسابرسی، تا حد زیادی اقدامات و بررسی‌های دقیق حسابرسان در خصوص کشف رویه‌های حسابداری متهورانه مدیران بیش-اطمینان کاهش می‌یابد. مطالعه ادبیات موضوعی نشان می‌دهد شرکت‌های با مدیران بیش-اطمینان حق‌الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت می‌کنند که این موضوع به کاهش دامنه رسیدگی حسابرسی و تلاش‌های حسابرسی منجر می‌شود. هر چند مدیران به صورت مستقیم در انتخاب حسابرس دخالت ندارند^۸، اما پژوهش‌هایی که اخیراً صورت گرفته نشان می‌دهد هنوز مدیریت شرکت تأثیر قابل توجهی بر انتخاب حسابرس دارد (کوهن و همکاران، ۲۰۱۱؛ دالیوال و همکاران، ۲۰۱۴).

در راستای این موضوع که حسابرسان متخصص صنعت، حسابرسی با کیفیت‌تری را ارائه می‌دهند، پژوهش‌های قبلی نیز نشان می‌دهد حسابرسان متخصص صنعت^۹ بهتر می‌توانند اشتباهات صاحبکارانشان را کشف کنند و توانایی بیشتری در کشف تحریف در درون صنعت تخصص خود را دارند (بدارد و بیگز، ۱۹۹۱ به نقل از دوئلن و همکاران، ۲۰۱۵). بنابراین، احتمال کمتری وجود دارد که مدیران بیش‌اطمینان از حسابرسان متخصص صنعت استفاده کنند. زیرا احتمال اینکه حسابرسان متخصص صنعت، رویه‌های حسابداری متهورانه صاحبکاران خود را کشف کنند، بیشتر است. علاوه بر این، مدیران بیش‌اطمینان ممکن است به این دلیل از حسابرسان غیرمتخصص استفاده کنند تا حق‌الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت کنند؛ زیرا نتایج پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد حق‌الزحمه حسابرسی یکی از مهمترین عوامل تعیین‌کننده‌ای است که بر تصمیمات انتخاب حسابرس توسط مدیران تأثیر می‌گذارد و حسابرسان غیرمتخصص نیز حق‌الزحمه کمتری مطالبه می‌کنند (دوئلن و همکاران، ۲۰۱۵).

مطالعه ادبیات موضوعی از یک سو نشان می‌دهد حق‌الزحمه حسابرسی یک عامل مهم در انتخاب حسابرس مستقل محسوب می‌شود و از سوی دیگر بیانگر آن است که بیش‌اطمینانی مدیران بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر دارد. حسابرسان متخصص صنعت در مقایسه با سایر حسابرسان حق‌الزحمه بسیار بالاتری مطالبه می‌کنند (فانگ و همکاران، ۲۰۱۲). از این رو می‌توان عنوان کرد مدیران بیش‌اطمینان تمایل کمتری به استفاده از حسابرس متخصص صنعت دارند تا از این طریق حق‌الزحمه کمتری نیز پرداخت کنند (دوئلن و همکاران، ۲۰۱۵).

در ادبیات موضوعی تاکنون معیارهای متفاوتی برای اندازه‌گیری بیش‌اطمینانی ارائه شده است. یکی از این معیارها، تصمیمات مدیران در خصوص اعمال اختیار خرید سهام آنها است؛ مدیران ریسک‌گریز تمایل دارند اختیار خرید سهام را زودتر اعمال کنند، اما مدیرانی که به صورت داوطلبانه اختیارهای ارزشمند خود را به مدت طولانی‌تری حفظ می‌کنند، احتمالاً نسبت به توانایی‌های خود و چشم‌انداز شرکت بیش‌اطمینان هستند (مالمدیر و تیت، ۲۰۰۵؛

احمد و دوئلن، ۲۰۱۳). معیار دیگر بیش‌اطمینانی، خالص خرید سهام شرکت توسط مدیر^{۱۱} است؛ مدیران بیش‌اطمینان نسبت به سایر مدیران، سهام شرکت خود را بیشتر می‌خرند (احمد و دوئلن، ۲۰۱۳). شهرت رسانه‌ای و پاداش نسبی مدیران معیار دیگری است که برای سنجش بیش‌اطمینانی مورد استفاده قرار گرفته است. انتظار بر این است مدیرانی که ارزیابی عملکرد بالایی دارند، پاداش زیادی دریافت می‌کنند و شهرت رسانه‌ای خوبی دارند، تمایل بیشتری به بیش‌اطمینانی داشته باشند (مالمدیر و تیت، ۲۰۰۵). معیارهای دیگری که در ادبیات موضوعی برای سنجش بیش‌اطمینانی معرفی شده است، شامل سوگیری در پیش‌بینی سود مدیران (تفاوت بین سود پیش‌بینی شده و سود واقعی) و تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت^{۱۲} می‌باشد (بن دیوید و همکاران، ۲۰۱۰؛ مالمدیر و تیت، ۲۰۰۵ و کمپل و همکاران، ۲۰۱۱).

دوئلن و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان بیش‌اطمینانی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی دریافتند شرکت‌های با مدیران بیش‌اطمینان با احتمال کمتری از حسابررس متخصص صنعت استفاده می‌کنند. نتایج پژوهش آنان نشان داد مدیران بیش‌اطمینان حق‌الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت می‌کنند.

چایز و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش آنان بیانگر تأثیر مثبت و معنادار بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی بود.

هسیه و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند که مدیران بیش‌اطمینان با احتمال بیشتری نسبت به سایر مدیران اقدام به افزایش سود گزارش‌شده از طریق افزایش ارقام تعهدی اختیاری^{۱۳} می‌نمایند.

چن و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریت بر کنترل‌های داخلی پرداختند. آنها دریافتند در شرکت‌های با مدیران بیش‌اطمینان احتمال بیشتری برای حفظ کنترل‌های داخلی بی‌اثر وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش آنان نشان داد در شرکت‌های با مدیران بیش‌اطمینان، اما با ساختارهای حاکمیت شرکتی قوی احتمال بیشتری برای حفظ کنترل‌های داخلی مؤثر وجود دارد.

بومن (۲۰۱۴) در پژوهش خود دریافت بین بیش‌اطمینانی مدیران و هموارسازی سود رابطه مثبت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر مدیران بیش‌اطمینان نسبت به سایر مدیران بیشتر اقدام به هموارسازی سود می‌کنند.

احمد و دوئلن (۲۰۱۳) آثار بیش‌اطمینانی مدیریت بر محافظه‌کاری حسابداری^{۱۴} را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان داد بیش‌اطمینانی اثر منفی بر محافظه‌کاری حسابداری داشته و نظارت خارجی این آثار منفی را کاهش نخواهد داد.

دشماخ و همکاران (۲۰۱۳) معتقدند مدیران بیش‌اطمینان نسبت به سایر مدیران تمایل به پرداخت سود تقسیمی کمتری دارند. کاهش در پرداخت سود تقسیمی به دلیل بیش‌اطمینان بودن

مدیران در شرکت‌هایی با فرصت رشد پایین‌تر، جریان وجوه نقد کمتر و عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر، بیشتر است.

مک گوایر و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی رابطه تخصص مالیاتی حسابرسان و سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش آنها بیانگر آن بود زمانی که مؤسسات حسابرسی یک متخصص مالیاتی باشند مشتریان آنها که خدمات مالیاتی را از این مؤسسات دریافت می‌کنند بیشتر درگیر اجتناب مالیاتی هستند. از سوی دیگر، نتایج حاکی از آن بود شرکت‌هایی که مؤسسات حسابرسی آنها متخصص کلی صنعت هستند دارای سطح اجتناب مالیاتی بالاتری نسبت به سایر شرکت‌ها هستند. به عبارت دیگر متخصصان کلی با ترکیب تخصص مالیاتی و مالی خود جهت بهبود و توسعه استراتژی‌های مالیاتی به نفع مشتریان خود از هر دو دیدگاه صورت‌های مالی و مالیاتی کمک می‌کنند.

شراند و زچمن (۲۰۱۲) دریافته‌اند بین بیش‌اطمینانی مدیریت با احتمال تقلب صورت‌های مالی رابطه مثبت برقرار بوده و نظارت بالاتر داخلی و خارجی از طریق مکانیسم‌های حاکمیتی این اثر را کاهش نمی‌دهد.

لیبی و رنه‌کامپ (۲۰۱۲) نشان دادند که بیش‌اطمینانی مدیریت بر تصمیم به انتشار پیش‌بینی سود مؤثر است. مدیر بیش‌اطمینان اعتقاد به عملکرد مثبت آینده شرکت دارد که این امر تمایل به انتشار پیش‌بینی سود را افزایش می‌دهد.

حبیب و بویان (۲۰۱۱)، در پژوهش خود دریافته‌اند که تأخیر حسابرسی برای شرکت‌هایی که توسط حسابرس متخصص صنعت رسیدگی می‌شوند، کوتاه‌تر است. چارلز و همکاران (۲۰۱۰) دریافته‌اند به طور کلی انتخاب حسابرس یک تصمیم اقتصادی است "صاحبکار خدمات حسابرس را در سطح کیفیت موردانتظار خود با کمترین هزینه از فروشنده (حسابرس) می‌خرد و تغییر حسابرس پاسخی به تغییر در مقدار و نوع خدمات موردنیاز صاحبکار است".

جکینز و همکاران (۲۰۰۶) به بررسی تأثیر حسابرسان متخصص صنعت بر کاهش کیفیت سود پرداختند. نتایج پژوهش آنان بیانگر افزایش معنادار در میزان اقلام تعهدی اختیاری و کاهش معنادار در ضرایب واکنش سود (کاهش کیفیت سود) بود. مطابق نتایج پژوهش آنان افزایش در اقلام تعهدی اختیاری و کاهش در ضرایب واکنش سود برای شرکت‌هایی که از حسابرسان متخصص صنعت استفاده می‌کردند کمتر از سایر شرکت‌ها بود.

بالسام و همکاران (۲۰۰۱) به بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و ضریب واکنش سود از طریق مقایسه ضرایب واکنش سود صاحبکارانی که توسط حسابرسان متخصص صنعت رسیدگی شده‌اند و سایر صاحبکاران می‌پردازند. نتایج این پژوهش نیز نشان داد که صاحبکاران حسابرسان متخصص صنعت از ضریب واکنش سود بالاتری برخوردارند.

گراملینگ و همکاران (۲۰۰۱) نشان دادند که سود صاحبکاران حسابرسیان متخصص صنعت، جریان‌های نقدی آتی را دقیق‌تر از سایر صاحبکاران پیش‌بینی می‌کنند. بررسی پژوهش‌های صورت‌گرفته در داخل کشور نشان می‌دهد تاکنون هیچ پژوهشی در رابطه با تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریت بر استفاده از حسابرس متخصص صنعت انجام نشده است. در ادامه به بعضی از پژوهش‌های داخلی مربوط اشاره می‌گردد.

عرب‌صالحی و هاشمی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی^{۱۵} پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد بیش‌اطمینانی مدیران سبب افزایش اجتناب مالیاتی در فرآیند گزارشگری مالی می‌شود.

نتایج پژوهش مشایخ و بهزادپور (۱۳۹۳) نشان داد بین بیش‌اطمینانی مدیران و تقسیم سود شرکت ارتباط منفی معناداری وجود دارد؛ به گونه‌ای که مدیران بیش‌اطمینان تقسیم سود کمتری دارند. علاوه بر این یافته‌های پژوهش آنان نشان داد، جدا از اینکه مدیر بیش‌اطمینان باشد یا منطقی، مدیر شرکت با فرصت‌های رشد بالاتر سود تقسیمی کمتری پرداخت می‌کند.

رامشه و ملانظری (۱۳۹۳) دریافته‌اند که بین محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی با بیش‌اطمینانی مدیریت رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد. همچنین یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که نظارت خارجی اثر منفی بیش‌اطمینانی بر محافظه‌کاری شرطی را کاهش داده، اما اثر مشابه در مورد محافظه‌کاری غیرشرطی نخواهد داشت.

واعظ و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین فرصت‌های سرمایه‌گذاری مختص صاحبکار و حق‌الزحمه حسابرسیان متخصص صنعت پرداختند. آنان دریافته‌اند رابطه بین فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحبکار و حق‌الزحمه حسابرسی منفی و معنادار است. آنان همچنین دریافته‌اند فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحبکار به طور منفی و معنادار بر مازاد ناشی از تخصص، تأثیر می‌گذارد.

وکیلی‌فرد و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت سود و انتخاب حسابرس پرداختند. براساس نتایج پژوهش آنان بین کیفیت سود شرکت‌های حسابرسی شده به وسیله مؤسسه‌های کوچک حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و شرکت‌های حسابرسی شده به وسیله مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، اختلاف معناداری وجود دارد.

برزیده و معدنچی‌ها (۱۳۹۳) دریافته‌اند تخصص حسابرس در صنعت تأثیر معنادار و معکوس بر تأخیر گزارش حسابرسی دارد. حساس‌یگانه و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی تأخیر تخصص صنعت حسابرس بر گزارشگری مالی و واکنش بازار سرمایه پرداختند. نتیجه پژوهش آنان نشان داد بین محتوای اطلاعاتی اجزای تعهدی و نقدی سود در شرکت‌های با حسابرس متخصص صنعت نسبت به دیگر شرکت‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد.

اعتمادی و همکاران (۱۳۸۸) نشان دادند شرکت‌هایی که حسابرس آنها متخصص صنعت است، دارای سطح مطلق اقلام تعهدی اختیاری کمتر و ضریب واکنش سود بالاتری هستند. به بیان دیگر، حسابرسان متخصص صنعت، حساسی با کیفیت‌تری به صاحبکاران خود ارائه می‌دهند. با در نظر گرفتن مبانی نظری، پژوهش‌های گذشته و نتایج آنها، فرضیه پژوهش بدین شرح مطرح می‌شود:

بیش‌اطمینانی مدیریت تأثیر منفی بر استفاده از حسابرس متخصص صنعت دارد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

طرح این پژوهش از نوع کاربردی نیمه تجربی و با استفاده از رویکرد پس‌رویدادی از طریق اطلاعات گذشته است. جامعه آماری این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ تشکیل می‌دهد. در پژوهش حاضر جامعه آماری براساس شروط نظام‌مندی تعدیل شده‌اند. بنابراین، در انتخاب شرکت‌ها ویژگی‌های زیر مورد توجه قرار گرفت:

الف) شرکت‌های مورد نظر جزو بانک‌ها، واسطه‌گری مالی، لیزینگ و شرکت‌های بیمه نباشند (به دلیل تفاوت در ترازنامه، ماهیت خاص فعالیت).

ب) سهام شرکت‌ها در طول هر یک از سال‌های دوره پژوهش معامله شده باشد.

پ) از منظر افزایش قابلیت مقایسه، پایان سال مالی شرکت، منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

ت) طی سال‌های مورد مطالعه تغییر سال مالی یا فعالیت نداده باشد.

ث) شرکت‌های مورد نظر از ابتدا تا انتهای پژوهش در فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس باشند.

دوره زمانی این تحقیق از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ می‌باشد. پس از بررسی شرکت‌ها از لحاظ ویژگی‌های مذکور، در مجموع ۷۱ شرکت به عنوان نمونه مورد مطالعه این پژوهش انتخاب شد. در گردآوری داده‌ها از نرم‌افزار رهاورد نوین و بانک اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار (کدال) و پایگاه‌های اینترنتی مرتبط با بورس استفاده شد. آزمون فرضیه‌ها نیز پس از گردآوری داده‌های مورد نیاز، به کمک نرم‌افزار Eviews 6 انجام گرفت. برای آزمون فرضیه پژوهش از الگوی رگرسیون لجستیک به شرح رابطه (۱) استفاده شده است:

رابطه (۱):

$$Specialist Auditor_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OverCon_{i,t} + \sum_{q=2}^m \beta_q (q^{th} Control Variables_{i,t}) + \varepsilon_{i,t}$$

که در مدل فوق $Specialist Auditor_{i,t}$ نشان‌دهنده استفاده از حسابرس متخصص صنعت و $OverCon_{i,t}$ بیانگر بیش‌اطمینانی مدیریت است.

هر یک از متغیرهای پژوهش در ادامه معرفی شده‌اند:

بیش‌اطمینانی مدیریت: از آنجا که شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باید سود پیش‌بینی شده خود را افشا کنند، در پژوهش حاضر از این معیار برای محاسبه بیش-اطمینانی مدیریت استفاده شده است؛ به طوری که اگر مدیران سود پیش‌بینی شده را بیشتر از سود واقعی اعلام کرده باشند، دچار بیش‌اطمینانی هستند (مشایخ و بهزادپور، ۱۳۹۳). استفاده از حسابرس متخصص صنعت: متغیر وابسته پژوهش حاضر، تخصص حسابرس در صنعت است. در این پژوهش، از سهم بازار به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری تخصص حسابرس در صنعت بهره گرفته می‌شود، زیرا اولویت صنعت را نسبت به سایر حسابسان نشان می‌دهد. هر چه سهم بازار حسابرس بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرس نسبت به سایر رقبا بالاتر است. سهم بازار مؤسسه حسابرسی نیز به شرح رابطه (۲) محاسبه می‌شود: مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران یک مؤسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص، تقسیم بر مجموع دارایی‌های صاحبکاران در این صنعت،

$$MS_{ik} = \frac{\sum_{j=1}^{J_{ik}} TA_{ijk}}{\sum_{i=1}^{I_k} \sum_{j=1}^{J_{ik}} TA_{ijk}} \quad \text{رابطه (۲)}$$

که در آن؛

MS_{ik} : سهم بازار مؤسسه حسابرسی i ام در صنعت k ام، TA : مجموع دارایی‌های صاحبکاران، i : نماد مؤسسه حسابرسی، j : نماد شرکت صاحبکار، k : نماد صنعت مورد نظر، J_{ik} : نماد تعداد صاحبکاران مؤسسه حسابرسی i ام در صنعت k ام و I_k : نماد تعداد مؤسسه‌های حسابرسی در صنعت k ام است. و با پیروی از پالمرز (۱۹۸۶)، مؤسساتی در این پژوهش به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان (براساس رابطه (۲)) در رابطه (۳) برقرار باشد.

$$MS_{ik} > \frac{1}{N_k} \times \frac{1}{2} \quad \text{رابطه (۳)}$$

N_k : تعداد شرکت‌های موجود در صنعت k ام است. به عبارت دیگر مؤسساتی در این پژوهش به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان (یعنی رابطه (۲)) بیش از $[1/2 \times (\text{شرکت‌های موجود در یک صنعت}/1)]$ باشد. بنابراین، اگر شرکت از سوی مؤسسه حسابرسی متخصص صنعت، حسابرسی شده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ می‌شود.

اقدام تعهدی اختیاری: اقدام تعهدی اختیاری با استفاده از مدل تعدیل‌شده جونز محاسبه می‌شود. برای تفکیک اقدام تعهدی اختیاری از غیراختیاری ابتدا باید در یک دوره پیش‌بینی، مدل اقدام تعهدی را برآورد نمود و سپس براساس داده‌های واقعی در دوره رویداد به محاسبه اقدام تعهدی اختیاری پرداخت. دلیل استفاده از این متغیر، کنترل اثر رویه‌های گزارشگری متهورانه شرکت است (دوئلن و همکاران، ۲۰۱۵)؛ مدل تعدیل شده جونز به شرح زیر نمایش داده شده است.

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \frac{\beta_1(\Delta REV_{i,t} - \Delta Rec_t)}{A_{i,t-1}} + \beta_2 \left(\frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_i \quad \text{مدل (۱)}$$

که در آن؛ $TA_{i,t}$: برابر است با کل ارقام تعهدی شرکت، $\Delta REV_{i,t}$: درآمد سال t منهای درآمد سال $t-1$ ، $PPE_{i,t}$: برابر است با اموال ماشین‌آلات و تجهیزات شرکتها، ΔRec_t : برابر است با تغییرات در حسابهای دریافتنی در سال t ، $A_{i,t-1}$: برابر است با کل دارایی‌ها شرکت در سال $t-1$.

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام^۶: این متغیر از تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت به ارزش دفتری آن در پایان سال مالی محاسبه می‌شود. ارزش بازار حقوق صاحبان سهام از حاصل ضرب تعداد سهام عادی در قیمت سهام در پایان سال مالی به دست می‌آید. ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام نیز از ترازنامه شرکت حاصل می‌شود (دوئلمن و همکاران، ۲۰۱۵)؛

اهرم مالی^۷: از طریق تقسیم جمع بدهی‌ها بر جمع دارایی‌ها به دست می‌آید. اهرم مالی بالا، ریسک حسابرسی را افزایش می‌دهد (سیمونیک، ۱۹۸۰ به نقل از دوئلمن و همکاران، ۲۰۱۵)؛ اندازه شرکت: برای محاسبه اندازه شرکت از لگاریتم ارزش بازار سهام شرکت (حاصل ضرب قیمت سهام در تعداد سهام) در پایان سال استفاده شده است؛

بتا: در این پژوهش با توجه به نتایج پژوهش‌های قبلی، طول دوره تخمین بتا ۳ سال در نظر گرفته شده و بتای شرکت‌های مورد مطالعه با استفاده از ۳۶ مشاهده ماهانه تا پایان هر سال توسط نرم‌افزار پارس پرتفولیو (رهاورد) محاسبه گردیده است؛

نرخ بازده دارایی‌ها: از تقسیم سود قبل از بهره و مالیات به میانگین دارایی‌ها به دست می‌آید. سودآوری بالاتر، ریسک حسابرسی را کاهش می‌دهد (های و همکاران، ۲۰۰۶)؛ موجودی نقد: تقسیم وجوه نقد بر میانگین دارایی‌ها؛

جمع حساب‌های دریافتنی و موجودی کالا: مجموع حساب‌های دریافتنی و موجودی کالا تعدیل شده براساس جمع دارایی‌ها؛ دلیل استفاده از متغیرهای کنترلی موجودی نقد و جمع حساب‌های دریافتنی و موجودی کالا کنترل اثر ریسک ذاتی حسابرسی دارایی‌های جاری نگهداری شده شرکت است (دوئلمن و همکاران، ۲۰۱۵).

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱ - آمار توصیفی و تجزیه و تحلیل آن

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
مستقل	۰/۲۱۲	۱	۱	۰	۰/۳۲۴
بیش اطمینانی مدیریت	۰/۰۳۲	۰/۰۷۷	۰/۲۵۲	-۰/۰۱۶	۰/۱۰۳
اقدام تعهدی اختیاری	۲/۹۱۸	۱/۵۲۲	۱۲/۰۲۵	۰/۳۱۶	۰/۶۰۵
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	۰/۵۵۱	۰/۷۱۳	۰/۹۴۶	۰/۰۹۲	۰/۱۴۴
اهرم مالی	۱۲/۰۱۴	۱۰/۱۳۳	۱۴/۱۴۱	۱۰/۱۵۶	۰/۴۵۹
اندازه شرکت	۰/۵۲۵	۰/۶۶۹	۴/۱۰۱	-۲/۰۸۸	۰/۳۲۵
بتا	۰/۲۲۲	۰/۱۳۵	۰/۹۲۴	-۰/۱۸۸	۰/۴۹۹
نرخ بازده دارایی‌ها	۰/۰۷۴	۰/۰۶۱	۰/۱۹۱	۰/۰۰۴	۰/۲۰۲
موجودی نقد	۰/۴۹۳	۰/۵۰۴	۰/۷۱۳	۰/۰۱۲	۰/۱۵۷
جمع حساب‌های دریافتی و موجودی کالا	۰/۴۳۴	۰	۱	۰	۰/۳۲۱
تخصص حسابرس در صنعت					

نتایج آزمون‌هایی که برای بررسی پایایی داده‌ها انجام گرفت، حاکی از آن بود که داده‌ها در طول دوره زمانی (۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲) بررسی پایا بودند. جدول (۱) مقادیر میانگین، میانه و انحراف معیار متغیرهای استفاده شده را نشان می‌دهد. نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد میانگین مشاهدات و میانه آن‌ها اختلاف اندکی دارند. نزدیک بودن مقادیر میانگین و میانه مشخص می‌کند که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند. در یک جامعه آماری با توزیع نرمال فرض می‌شود که ارقام به نحوی سیستماتیک و با الگویی یکنواخت در اطراف میانگین توزیع شده‌اند و احتمال قرار گرفتن یک مقدار معین در اطراف میانگین مساوی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد آماره‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر برای انجام پژوهش مناسب و مطلوب بوده است.

۴-۲ - نتایج آزمون فرضیه پژوهش

به منظور آزمون فرضیه پژوهش، از نتایج برآورد رگرسیون مقطعی سالانه ارائه شده در جدول (۲) استفاده شده است. باتوجه به دو وجهی بودن متغیر وابسته (استفاده از حسابرس متخصص صنعت)، جهت آزمون فرضیه پژوهش از رگرسیون لجستیک استفاده شده است.

سطح معناداری آماره ال.آر.^{۱۸} نشان می‌دهد در کل مدل رگرسیونی پژوهش معنادار است. معناداری آماری به این مفهوم است که مدل محاسبه شده با درجه معینی از اطمینان، با صفر تفاوت دارد.

جدول ۲: نتایج آزمون فرضیه پژوهش				
متغیرها و ضریب تعیین مدل	ضریب بتا	خطای استاندارد	استاندارد Z	سطح معناداری
بیش‌اطمینانی مدیریت	-۰/۵۴۵	۰/۰۰۸	-۱/۱۱۴	۰/۲۱۴
اقدام تعهدی اختیاری	-۰/۲۹۷	۰/۱۴۵	-۰/۷۸۷	۰/۴۱۴
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	-۱/۵۵۱	۰/۵۷۴	-۲/۹۸۱	۰/۰۲۱
اهرم مالی	-۰/۰۳۳	۰/۱۵۳	-۰/۱۹۱	۰/۸۴۸
اندازه شرکت	۰/۷۱۷	۰/۶۳۹	۲/۵۱۱	۰/۰۰۲
نرخ بازده دارایی‌ها	۱/۳۱۴	۱/۲۹۵	۲/۴۰۲	۰/۰۱۰
جمع حساب‌های دریافتی و موجودی کالا	۰/۱۷۲	۰/۱۸۱	۰/۶۳۴	۰/۵۱۹
ضریب تعیین مک‌فادن	۰/۲۸	آماره ال.آر		۸۲/۰۱۷
خطای استاندارد مدل	۰/۰۰۷۶	معناداری (آماره ال.آر.)		۰/۰۰۰

نیکویی برازش مدل رگرسیونی پژوهش نیز با استفاده از آزمون هاسمر - لمشو^{۱۹} بررسی شد که سطح معناداری آن ۰/۴۴ محاسبه شد. بی‌معنایی این آماره نشان می‌دهد متغیرهای مستقل مدل رگرسیونی پژوهش، در تبیین مشاهدات متغیر وابسته از نیکویی برازش^{۲۰} مناسبی برخوردارند. ضریب تعیین مک‌فادن در رگرسیون لجستیک معادل R^2 در رگرسیون خطی است. لذا براساس مدل رگرسیونی پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که ۲۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل رگرسیون لجستیک تبیین می‌شود.

اندازه‌های معناداری ارائه شده در جدول ۲ حاکی از آن است که ضریب متغیر بیش‌اطمینانی مدیریت برابر با -۰/۵۴۵ است. با توجه به اینکه سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ به دست آمده است، فرض صفر مبنی بر صفر بودن این ضریب تأیید می‌شود؛ به بیان دیگر این ضریب در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست. از این رو فرضیه پژوهش تأیید نمی‌گردد. لذا بیش-اطمینانی مدیریت بر استفاده یا عدم استفاده از حسابرس متخصص صنعت در محیط ایران تأثیری ندارد. از سوی دیگر با توجه به اینکه ضریب برآورد شده برای متغیر اندازه شرکت در

سطح خطای ۵ درصد مثبت می‌باشد (۰/۰۰۲) بین این متغیر و استفاده از حسابرس متخصص صنعت ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش اندازه شرکت، احتمال استفاده از حسابرس متخصص صنعت نیز افزایش می‌یابد. از بین سایر متغیرهای کنترلی بیان شده نیز متغیرهای نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و نرخ بازده دارایی‌ها تأثیر معناداری بر تخصص حسابرس در صنعت دارند.

۵- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با اتکاء به ادبیات نظری پیشین، تلاش شد تا یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر استفاده از حسابرس متخصص صنعت معرفی شود. از این رو به بررسی ارتباط بین عامل رفتاری بیش‌اطمینانی مدیریت و تخصص حسابرس در صنعت پرداخته شد. مدیران بیش‌اطمینان احتمال و تأثیر رویدادهای مطلوب را بر جریان‌های نقدی شرکت بیش از واقع تخمین می‌زنند و احتمال و تأثیر رویدادهای منفی را کمتر از واقع ارزیابی می‌کنند. حسابرسان متخصص صنعت، حسابرسی با کیفیت‌تری را ارائه می‌دهند، پژوهش‌های قبلی نیز نشان می‌دهد حسابرسان متخصص صنعت بهتر می‌توانند اشتباهات صاحبکارانشان را کشف کنند و توانایی بیشتری در کشف تحریف در درون صنعت تخصص خود را دارند. بنابراین، احتمال کمتری وجود دارد که مدیران بیش‌اطمینان از حسابرسان متخصص صنعت استفاده کنند. علاوه بر این، مدیران بیش‌اطمینان ممکن است به این دلیل از حسابرسان غیرمتخصص استفاده کنند تا حق‌الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت کنند؛ چرا که مطالعه ادبیات موضوعی نشان می‌دهد حق‌الزحمه حسابرسی یکی از مهمترین عوامل تعیین‌کننده‌ای است که بر تصمیمات انتخاب حسابرس توسط مدیران تأثیر می‌گذارد و حسابرسان غیرمتخصص نیز حق‌الزحمه کمتری مطالبه می‌کنند. بررسی‌ها نشان داد بیش‌اطمینانی مدیریت بر استفاده از حسابرس متخصص صنعت تأثیر معناداری ندارد. همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد هر چه اندازه شرکت بزرگتر باشد، احتمال استفاده از حسابرس متخصص صنعت بیشتر است. نتایج پژوهش حاضر در مورد رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و استفاده از حسابرس متخصص صنعت با نتایج پژوهش دوئلن و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت ندارد. نتایج پژوهش حاضر در مورد رابطه بین اندازه شرکت و استفاده از حسابرس متخصص صنعت با نتایج پژوهش نیکومرام و احمدزاده (۱۳۹۲) مطابقت دارد. همچنین نتایج این پژوهش در مورد ارتباط بین اهرم مالی و حسابرس متخصص صنعت منطبق با نتایج پژوهش دوئلن و همکاران (۲۰۱۵) و در عدم انطباق با نتایج پژوهش نیکومرام و احمدزاده (۱۳۹۲) است.

با توجه به نتایج حاصل و مرور ادبیات پژوهش پیشنهادات زیر ارائه می‌شود؛

– یکی از پیامدهای ضمنی بیش‌اطمینانی، عدم وجود آینده‌نگری واقعی است. بنابراین لازم است مدیران و تصمیم‌گیرندگان خود را در برابر بیش‌اطمینانی محافظت کرده و مشاوران مالی در این زمینه به آنها کمک کنند.

– مدیران و سرمایه‌گذاران بیش‌اطمینان در نتیجه این باور که آنها اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند، معاملات پرحجمی را نیز انجام می‌دهند. مطالعات تجربی نشان می‌دهد که انجام معاملات زیاد، غالباً منجر به بازدهی ضعیف در بلندمدت می‌شود. در این حالت بهترین توصیه این است که از آنان بخواهیم سوابق تاریخی معاملات خود را مرور کرده و بازده خود را محاسبه نمایند.

– به سازمان بورس اوراق بهادار توصیه می‌شود به وجود یک کمیته حسابرسی قوی در شرکت‌ها توجهی ویژه نشان دهد. چرا که مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد وجود یک کمیته حسابرسی قوی می‌تواند پیامدهای منفی بیش‌اطمینانی مدیریت را کاهش دهد.

– به حسابرسان توصیه می‌شود در برنامه‌ریزی حسابرسی خود بیش‌اطمینانی مدیریت را به عنوان یکی از مهمترین ویژگی‌های شخصیتی مدیران مدنظر قرار داده تا از این طریق نیز اقدامات خود را به منظور کاهش ریسک عدم‌کشف کامل نمایند.

جهت تکمیل این پژوهش و انجام پژوهش‌های بیشتر در حوزه‌های مرتبط با این پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- پژوهش درباره رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و کیفیت حسابرسی
 - بررسی تأثیر وجود کمیته حسابرسی بر بیش‌اطمینانی مدیریت
 - بررسی ارتباط بین کیفیت کنترل‌های داخلی و بیش‌اطمینانی مدیریت
 - بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریت بر کیفیت سود و به طور کلی کیفیت گزارشگری مالی
- تعدیلات سنواتی و برخی از بندهای شرط مندرج در گزارش‌های حسابرسی از جمله عوامل مؤثر بر اندازه‌گیری سود است. اما به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات لازم، تعدیل بابت این اقلام دشوار بود. لذا این موارد می‌تواند نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد.

یادداشت‌ها

۱. فرض «عقلایی بودن» تصمیم‌گیرندگان و سرمایه‌گذاران به عنوان مدل ساده‌ای از رفتار انسان، یکی از پایه‌های اصلی دانش مالی کلاسیک است و تقریباً تمامی نظریه‌های مالی کلاسیک مثل نظریه پرتفوی، بازار کارای سرمایه، مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و تئوری نمایندگی متأثر از این فرض است. از نظر دانش مالی رفتاری، این فرض به دلیل واقعی نبودن آن قادر به توضیح رفتار تصمیم‌گیرندگان و سرمایه‌گذاران نمی‌باشد.

2. Overconfidence

3. Internal Controls

4. Audit Fees

5. Risk Taking

۶. بیش‌اطمینانی یکی از مباحث اصلی رشته علمی مالی رفتاری است. مالی رفتاری ادغام اقتصاد کلاسیک و مالی با علوم روانشناسی و تصمیم‌گیری است. دانش مالی کلاسیک سرمایه‌گذاران را منطقی می‌انگارد، اما در دانش مالی رفتاری آنها نرمال هستند. مالی رفتاری مطالعه تأثیرات روانشناسی بر تصمیم‌گیری‌های مالی است.

7. Financial reporting risk

۸. براساس بخش ۳۰۱ قانون ساربنز آکسلی، کمیته حسابرسی مسئول انتصاب حسابرسان، تعیین حقوق و مزایای آنان و نظارت بر حسابرسان است. در کشور ما نیز براساس منشور کمیته حسابرسی ارائه پیشنهاد درباره انتخاب، چرخش یا تغییر حسابرس مستقل و بازرس قانونی هیأت‌مدیره از وظایف کمیته حسابرسی است و مسئول نهایی انتخاب حسابرس نیز مجمع عمومی عادی شرکت است.

9. Industry Specialist Auditors

10. Stock Options

11. Net Purchases of the Firm's Shares by the CEO

12. Firms' Investment Decisions

13. Discretionary Accruals

14. Accounting Conservatism

15. Tax Avoidance

16. Market to Book Ratio

17. Financial Leverage

18. LR (Likelihood Ratio) Statistic

19. Hosmer-Lemeshow

20. Goodness of fit

کتابنامه

۱. اعتمادی، حسین؛ محمدی، امیر؛ ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرس و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱(۲): ۱۷-۳۲.
۲. برزیده، فرخ؛ معدنچی‌ها، مجتبی. (۱۳۹۳). تأثیر تخصص مؤسسه حسابداری در صنعت بر تأخیر گزارش حسابداری. حسابرسی: نظریه و عمل، ۱(۱): ۱-۱۹.
۳. حساس‌یگانه، یحیی؛ ولی‌زاده لاریجانی، اعظم؛ محمدی، امیر. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر تخصص صنعت حسابرس بر گزارشگری مالی و واکنش بازار سرمایه، فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۵(۱۹): ۴۳-۶۴.
۴. رامشه، منیژه؛ ملانظری، مهناز. (۱۳۹۳). بیش‌اطمینانی مدیریت و محافظه‌کاری حسابداری. دانش حسابداری، ۵(۱۶): ۷۹-۵۵.
۵. عرب‌صالحی، مهدی؛ هاشمی، مجید. (۱۳۹۴). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۲(۱): ۸۵-۱۰۴.
۶. فلاح شمس لیالستانی، میرفیض؛ قالیباف اصل، حسن؛ نوبخت‌سرایبی، سمیرا. (۱۳۸۹). بررسی اثر تجربه بر ریسک‌پذیری، بیش‌اطمینانی و رفتار توده‌وار، فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۳(۱۲): ۲۵-۴۲.
۷. مشایخ، شهناز؛ بهزادپور، سمیرا. (۱۳۹۳). تأثیر بیش‌اطمینانی مدیران بر سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۱(۴): ۴۸۵-۵۰۴.
۸. نیکومرام، هاشم؛ احمدزاده، حمید. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و انتخاب نوع حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق تهران. مطالعات کمی در مدیریت، ۴(۴): ۱۳۵-۱۵۴.
۹. واعظ، سیدعلی؛ عابدی صدقیانی، بابک؛ نخیلی، اشکان. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحبکار بر حق‌الزحمه حسابرسان متخصص، حسابداری مالی، ۶(۲۴): ۱-۲۱.
۱۰. وکیلی‌فرد، حمیدرضا؛ محمدی، سامان؛ کاظمی نوری، سپیده. (۱۳۹۳). کیفیت سود و انتخاب حسابرس (مورد مطالعه: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). حسابداری مالی، ۶(۲۲): ۱۵۱-۱۶۸.

11. Ahmed, A. S. & Duellman, S. (2013). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51(1): 1-30.

12. Ball, R., Jayaraman, S., Shivakumar, L. (2012). Audited financial reporting and voluntary disclosure as complements: a test of the confirmation hypothesis. *Journal of Accounting and Economics*, 53(1-2): 136-166.

13. Balsam, S., Krishnan, J., Yang, J.S., (2001). "Auditor industry specialization and the earnings response coefficient". Working paper, Temple University.

14. Ben-David, I. Graham, J. & Harvey, C. (2010). Managerial Miscalibration. National Bureau of Economic Research, Working Paper Series No. 16215. Available in: <http://www.nber.org/papers/w16215>.
15. Bertrand, M. & Schoar, A. (2003). Managing with style: The effect of managers on firm policies. *Quarterly Journal of Economics*, 118(4): 301–330.
16. Bouwman, C. (2014). Managerial Optimism and Earnings Smoothing. *Journal of Banking & Finance*, 41(1): 283-303.
17. Campbell, T. C., Gallmeyer, M., Johnson, S. A., Rutherford, J., & Stanley, B. W. (2011). CEO Optimism and Forced Turnover. *Journal of Financial Economics*, 101(3): 695-712.
18. Charles, S., Glover, S., Sharp, N. (2010). The association between financial reporting risk and audit fees before and after the historic events surrounding SOX. *Journal of Financial Economics*, 29(1): 15-39.
19. Chen, S., Lai, S., Liu, C., McVay, S. (2014). Overconfident Managers and Internal Controls. Working paper, National Taiwan University and University of Washington.
20. Chyz, J., Gaertner, F., Kausar, A. & Watson, L. (2014). Overconfidence and Aggressive Corporate Tax Policy. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2408236>.
21. Cohen, J., Gaynor, L.M., Krishnamoorthy, G., Wright, A. (2011). The impact of auditor judgments of CEO influence on audit committee independence. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 30(4): 129-147.
22. Dhaliwal, D., Lamoreaux, P., Lennox, C., Mauler, L. (2014). Management influence on auditor selection and subsequent impairments of auditor independence during the post-SOX period. *Contemporary Accounting Research*, forthcoming.
23. Deshmukh, S., Goel, A. & Howe, K. (2013). CEO Overconfidence and Dividend Policy. *Journal of Finance Intermediation*, 22(3): 440-463.
24. Duellman, S., Hurwitz, H., Sun, Y. (2015). Managerial Overconfidence and Audit Fees. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11(2): 148-165.
25. Fung, S., Gul, F., Krishnan, J. (2012). City-level auditor industry specialization, economies of scale, and audit pricing. *The Accounting Review*, 87(4): 1281-1307.
26. Habib, A., & Bhuiyan, Md. (2011). Audit firm industry specialization and the audit report lag. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 20(1): 32-44.
27. Gramling, A.A., V.E. Johnson, and I.K. Khurana. (2001). "Audit firm industry specialization and financial reporting quality". Working Paper, Georgia State University and University of Missouri-Columbia.
28. Hackbarth, D. (2008). Managerial traits and capital structure decisions. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 43(4): 843–882.

29. Hay, D.C., Knechel, W.R., Wong, N. (2006). Audit fees: a meta-analysis of the effect of supply and demand attributes. *Contemporary Accounting Research*, 23(1): 141-191.
30. Heaton, J. (2002). Managerial Optimism and Corporate Finance. *Financial Management*, 31(2): 33– 45.
31. Hsieh, T., & Bedard, J. C. & Johnstone, K. M. (2014). CEO Overconfidence and Earnings Management during Shifting Regulatory Regimes. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41(9-10): 1243-1268.
32. Jenkins, D. S., Kane G. D. and Velury U (2006). "Earnings quality decline and the effect of industry specialist auditors: An analysis of the late 1990s", *Journal of Accounting and public policy*, 25(1): 71-90.
33. Johnson, E., Kuhn, J.R., Apostolu, B., Hassell, J.M. (2013). Auditor perceptions of client narcissism as a fraud attitude risk factor. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 32(1): 203-219.
34. Libby, R. & Rennekamp, K. (2012). Self-Serving Attribution Bias, Overconfidence, and the Issuance of Management Forecasts. *Journal of Accounting Research*, 50(1): 197-231.
35. Malmendier, U. & Tate, G. (2005). CEO Overconfidence and Corporate Investment. *European Financial Management*, 11(5): 649-659.
36. Malmendier, U. Tate, G. & Yan, J. (2011). Overconfidence and Early-life Experiences: The Effect of Managerial Traits on Corporate Financial Policies. *The Journal of Finance*, 66(5): 1687-1733.
- 36.37. McGuire, Sean T., Thomas C. Omer and Dechun Wang. (2012). "Tax Avoidance: Does Tax-Specific Industry Expertise Make a Difference?" *The Accounting Review*, 87(3): 975–1003.
- 37.38. Presley, T.J., Abbott, L.J. (2013). CEO Overconfidence and the Incidence of Financial Restatement. *Advances in Accounting*, 29(1): 74-84.
38. Scherand, C.M., and Zechman, S.L. (2012). Executive Overconfidence and the Slippery Slope to Financial Misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53(1): 86–107.